یکشنبه 2/10/1403-20جمادی الثانی 1446-22دسامبر 2024-درس 61فقه رهبری سازمانی (فقه القیادة) –شرائط اثر بخشی رهبری سازمانی –امانت – خیانت در امانت

مساله 51: **که مدیری که توان و اهلیت رهبری سازمانی را ندارداگر مسئولیت بپذیرد خائن به امانت مسئولیت محسوب میشود وضامن خسارت های ناشی از این مسئولیت پذیری ناصحیح است خساراتی مانند کاهش انگیزش کارکنان که باعث کاهش بهره وری و تعالی سازمانی میشود**

***شرح مساله*:معلوم شد مکارم اخلاق اصلی ترین شرط برای تاثیر رهبری سازمانی هستند نسبت به اثر انگیزش کارکنان وپیروان از طریق نفوذ و هدایت. یکی از مکارم امانت داری است اعم از امانت مادی مثل بودجه و امکانات ومعنوی مانند منابع انسانی یا ساختاری مانند مناصب و مشاغل [[1]](#footnote-1)و... و معلوم شد که ضد امانت خیانت [[2]](#footnote-2)است یکی از مسائل در مقام این است که شرط صحت امانت پذیری این است که فرد امین توان حفظ[[3]](#footnote-3) امانت را داشته باشد اگر داشت و امانت بدون افراط و تفریط دچار آسیب شد او ضامن یا خائن نیست ولی اگر صلاحیت و اهلیت لازم برای صیانت از امانت را در خود ندید(اعم از اهلیت تمتع یا استیفاء) یا مردد شد وامانت را در هرنوعش قبول کرد به ابارت بهتر تصاحب کرد، ید او از امانی به ید ضمانی بلکه عدوانی [[4]](#footnote-4)بدل میشود وضامن هر نوع آسیب است و باید پاسخ گو باشد چه با تعدی چه با افراط و تفریط چه بدون آندو، ربما ید ضمانی چیز شبیه غصب است وقتی توان نداشته و دیگری توان داشته و روی عدم شایستگی جابه جا شده است شبیه سرقت است گویا حق دیگری را ربوده است . و مساله دیگری در این جا مطرح میشود آیا کسانیکه این امانت را به او سپرده اند هم در این ضمانت و خیانت شریکند یا نه؟ اگر با علم به عدم اهلیت امانت پذیر این کار صورت گرفته آنها هم ضامن هستند و در این خیانت شریکند؟ لذا باید پاسخگو باشند ولی اگر علم نداشتند امانت پذیر را صالح دیدند و به اوسپردند او هم قبول کرد و زیر بار این عقد امانی رفت ضمانت متوجه سپارندگان امانت نیست ؟ .... این ها شقوق مختلفی از مسائل باب است . و البته ربطی که با مبحث رهبری سازمانی پیدا میکند این است که فرد امانت پذیر غیر صالح ذاتی، فاقد رهبری صحیح و اثر بخش میشود وفعلش از مقوله رهبری باطل میشود باطل به این معناکه اثری بر فعل رهبری مدیر مترتب نمیشود زیرا در واقع غاصب است و غاصب امانت، یدش در حکم ید عدوانی است در نتیجه نمیتواند اعتماد در پیروان ایجاد کند و نه تنها در آنها در پی این رهبری ناصحیح انگیزش ایجاد نمیشود بلکه اثرات ضد انگیزشی دارد زیرا از کوزه همان برون تراود که در اوست یعنی آثار عدم صلاحیت به تدریج بروز میکند و از او تراوش میکند و ضد انگیزش رخ میدهد .لابد اثرات ناتوانی از یک سو و آثار عدم صداقت از سوی دیگر بروز میکند و کارکنان تحت رهبری رفتاری او از او سلب اعتماد میکنند دلمرده و مایوس و معترض میشوند تا این که امانت از او گرفته و به اهلش سپرده شود و ماجرا تمام شود . می ماند خسارات و آسیب هایی که در اثر این نابجایی صورت گرفته است که تماما بر دوش امانت پذیر خواهد بود به عنوان خیانت در امانت یا عنوان دیگر، زیرا امانت را ضایع کرده است و نه محسن است که مشمول قاعده" ما علی المحسنین من سبیل" شود. و نه امین است که مشمول قاعده ای مثل " ماعلی الامین الا الیمین" شود بلکه ربما مشمول قواعد خیانت در امانت است که مشمول رسوایی میشود لاطلاق قوله تعالی :"ان الله لا یحب الخائنین" و " ان الله لایهدی کید الخائنین" و " ان یریدوا خیانتک فقد خانوالله من قبل فامکن منهم" [[5]](#footnote-5)که مجموعا با اطلاقی که دارند دال براین هستند که خائن کارش و کیدش بی اثر است وبه جایی نمیرسد و محبوب خدا و مقامات خدایی نیست منفور آنها ست و در مانحن فیه منفور پیروان آنها است . دچار خذلان و امکان به معنای زمین گیر شدن است لذا هم مرتکب حرمت شده است که امانت را نا حق پذیرفته با این که علم به عدم اهلیت خود داشته است و هم وضعا ضامن تلفات[[6]](#footnote-6) مادی و معنوی است که در مدت در اختیار داشتن امانت به بار آمده است .**

**فتحصل: که مدیری که توان و اهلیت رهبری سازمانی را ندارداگر مسئولیت بپذیرد خائن به امانت مسئولیت محسوب میشود وضامن خسارت های ناشی از این مسئولیت پذیری ناصحیح است خساراتی مانند کاهش انگیزش کارکنان که باعث کاهش بهره وری و تعالی سازمانی میشود (والله العالم)**

1. #  وفي تفسير البرهان ، في قوله تعالى : ( إِنَّ اللهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ ) الآية : عن محمد بن إبراهيم النعماني بإسناده عن زرارة عن أبي جعفر محمد بن علي عليه‌السلام قال : سألته عن قول الله عز وجل : ( إِنَّ اللهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها ـ وَإِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ ) فقال : أمر الله الإمام أن يؤدي الأمانة إلى الإمام الذي بعده ، ليس له أن يزويها عنه ، ألا تسمع قوله : « وَإِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ ـ إِنَّ اللهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ » هم الحكام يا زرارة ، أنه خاطب بها الحكام.

# أقول : وصدر الحديث مروي بطرق كثيرة عنهم (ع) ، وذيله يدل على أنه من باب الجري ، وأن الآية نازلة في مطلق الحكم وإعطاء ذي الحق حقه فينطبق على مثل ما تقدم سابقا.

# وفي معناه ما في الدر المنثور ، عن سعيد بن منصور والفريابي وابن جرير وابن المنذر وابن أبي حاتم عن علي بن أبي طالب قال : حق على الإمام أن يحكم بما أنزل الله ـ وأن يؤدي الأمانة ـ فإذا فعل ذلك فحق على الناس أن يسمعوا له ـ وأن يطيعوا وأن يجيبوا إذا دعوا.

# در [روایات](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B1%D9%88%D8%A7%DB%8C%D8%A7%D8%AA%22%20%5Co%20%22%D8%B1%D9%88%D8%A7%DB%8C%D8%A7%D8%AA%22%20%5Ct%20%22_blank) متعدد، **امانت** در آیات مزبور به امامت **و** [ولایت](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%88%D9%84%D8%A7%DB%8C%D8%AA) تفسیر شده است.

#  **و** در [آیه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A2%DB%8C%D9%87%22%20%5Co%20%22%D8%A2%DB%8C%D9%87%22%20%5Ct%20%22_blank) دستور داده شده است که هر امامی باید **[امانت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%86%D8%AA%22%20%5Co%20%22%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%86%D8%AA%22%20%5Ct%20%22_blank)** امامت را به اهل آن ([امام](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85%22%20%5Co%20%22%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85%22%20%5Ct%20%22_blank) بعدی) بسپارد، استفاده می‌شود که امامان امانتدارند.از [احادیث](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AF%DB%8C%D8%AB%22%20%5Co%20%22%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AF%DB%8C%D8%AB%22%20%5Ct%20%22_blank) اسلامى استفاده می‌شود که علوم **و** [اسرار](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B3%D8%B1%D8%A7%D8%B1%22%20%5Co%20%22%D8%A7%D8%B3%D8%B1%D8%A7%D8%B1%22%20%5Ct%20%22_blank) **و** [ودایع امامت](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%88%D8%AF%D8%A7%DB%8C%D8%B9_%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85%D8%AA%22%20%5Co%20%22%D9%88%D8%AF%D8%A7%DB%8C%D8%B9%20%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85%D8%AA%20%28%D9%BE%DB%8C%D9%88%D9%86%D8%AF%DB%8C%20%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%AF%20%D9%86%D8%AF%D8%A7%D8%B1%D8%AF%29) که هر امامى باید به امام بعد بسپارد در آیه فوق داخل است.

# [[۱۷]](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B5%D8%A8_%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85%D8%AA_%28%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86%29?hilight=%D9%85%D8%B4%D8%B1%DA%A9%D8%A7%D9%86+%D9%88+%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%86%D8%AA+%D9%87%D8%A7%DB%8C+%D8%AE%D8%AF%D8%A7" \l "foot17)

# : در نامه ای به اشعث بن قیس، استاندار آذربایجان، می نویسد**«إنّ عملک لیس لک بطعمة ولکنّه فی عنقک أمانة»؛**[[22]](file:///C%3A%5CUsers%5Cm.kamyab%5CDesktop%5C%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%86%D8%AA%20%D8%AD%D9%83%D9%88%D9%85%D8%AA%20%D9%88%20%D9%85%D8%B3%D8%A6%D9%88%D9%84%D9%8A%D8%AA.docx#_ftn22) همانا کاری که به عهدۀ تو است طعمه ای برای تو نیست، بلکه امانتی است بر گردن تو. پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی معاذ بن جبل را به زمامداری یمن فرستاد به وی سفارش فرمود: **«وأنفذ فیهم أمر اللّه  ولا تحاش فی أمره ولا ماله أحداً فإنّها لیست بولایتک ولا مالک. وأدّ إلیهم الأمانة فی کلّ قلیل وکثیر»؛**[[23]](file:///C%3A%5CUsers%5Cm.kamyab%5CDesktop%5C%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%86%D8%AA%20%D8%AD%D9%83%D9%88%D9%85%D8%AA%20%D9%88%20%D9%85%D8%B3%D8%A6%D9%88%D9%84%D9%8A%D8%AA.docx#_ftn23) امر خدا را در میان ایشان اجرا کن و کسی را بر دخالت در امور و مال مردم جرأت نده؛ زیرا این حکومت و اموال ملک (شخصی) تو نیست و در هر چیز کم یا زیاد، امانت را نسبت به ایشان ادا کن.

# به تعبیر امام رحمه الله باید «این مقام را برای امت خرج کنیم».[[24]](file:///C%3A%5CUsers%5Cm.kamyab%5CDesktop%5C%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%86%D8%AA%20%D8%AD%D9%83%D9%88%D9%85%D8%AA%20%D9%88%20%D9%85%D8%B3%D8%A6%D9%88%D9%84%D9%8A%D8%AA.docx#_ftn24)

 [↑](#footnote-ref-1)
2. یانت در امانت، جرمی است که در ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی تعریف شده و به معنای تصاحب، تلف، مفقود کردن یا استفاده‌ غیرمجاز از مالی است که به شخص امین سپرده شده است [↑](#footnote-ref-2)
3. #  **[۷.۲ - قدرت بر حفظ، شرط جواز قبول ودیعه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%86%D8%AA%E2%80%8C%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C%22%20%5Cl%20%22%D9%82%D8%AF%D8%B1%D8%AA%20%D8%A8%D8%B1%20%D8%AD%D9%81%D8%B8%D8%8C%20%D8%B4%D8%B1%D8%B7%20%D8%AC%D9%88%D8%A7%D8%B2%20%D9%82%D8%A8%D9%88%D9%84%20%D9%88%D8%AF%DB%8C%D8%B9%D9%87%22%20%5Co%20%22%D9%82%D8%AF%D8%B1%D8%AA%20%D8%A8%D8%B1%20%D8%AD%D9%81%D8%B8%D8%8C%20%D8%B4%D8%B1%D8%B7%20%D8%AC%D9%88%D8%A7%D8%B2%20%D9%82%D8%A8%D9%88%D9%84%20%D9%88%D8%AF%DB%8C%D8%B9%D9%87)**

# قبول ودیعه تنها برای کسی جایز است که بر حفظ آن قدرت داشته باشد، پس کسی که قدرت ندارد، بنابر احتیاط (واجب) قبول آن برای او جایز نیست، مگر اینکه [مودع‌](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%88%D8%AF%D8%B9%E2%80%8C%22%20%5Co%20%22%D9%85%D9%88%D8%AF%D8%B9%E2%80%8C%22%20%5Ct%20%22_blank) (ودیعه‌گذار) از او ناتوان‌تر باشد و [مستودع](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%B3%D8%AA%D9%88%D8%AF%D8%B9) دیگری که بر (حفظ) آن قادر باشد، نباشد؛ که جواز قبول در این صورت خصوصاً با توجه داشتن مودع (به ناتوانی مستودع) بعید نیست.

# [[۳۹]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%86%D8%AA%E2%80%8C%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C%22%20%5Cl%20%22foot39) إنّما يجوز قبول الوديعة لمن كان قادراً على حفظها، فمن كان عاجزاً لم يجز له قبولها على الأحوط، إلّاإذا كان المودِع أعجز منه في الحفظ مع عدم مستودع آخر قادر عليه، فإنّ الجواز في هذه الصورة غير بعيد، خصوصاً مع التفات المودع. موسوعة الإمام الخميني 22 و 23 (تحرير الوسيلة) نویسنده : [الخميني، السيد روح الله](https://lib.eshia.ir/%D8%A7%D9%84%D8%AE%D9%85%D9%8A%D9%86%D9%8A%D8%8C_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%8A%D8%AF_%D8%B1%D9%88%D8%AD_%D8%A7%D9%84%D9%84%D9%87)    جلد : 1  صفحه : 635

 [↑](#footnote-ref-3)
4. #  با توجه به مفاد [قاعده ضمان ید](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D9%87_%D8%B6%D9%85%D8%A7%D9%86_%DB%8C%D8%AF) و [قاعده استیمان](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D9%87_%D8%A7%D8%B3%D8%AA%DB%8C%D9%85%D8%A7%D9%86) و ماهيت حقوقى انواع تصرفات، مى‌توان اقسام يد را چنين دسته‌بندى كرد. يد، يعنى استيلا و تصرف، نخست به دو دسته بزرگ تقسيم مى‌شود: ۱) يد امانى، ۲) يد ضمانى. سپس يد ضمانى به دو قسم مى‌شود: الف) يد ضمانى عدوانى. ب) يد ضمانى غير عدوانى. پس در مجموع سه قسم يد وجود دارد:۱. يد امانى، و اين در مواردى است كه دو عنصر [اذن](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B0%D9%86) و مجانيت وجود داشته باشد.۲. يد ضمانى عدوانى، و اين در مواردى است كه عنصر اذن مفقود و علاوه بر آن عنصر عدوان موجود باشد ( [غصب](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%BA%D8%B5%D8%A8) ).۳. يد ضمانى غير عدوانى، و اين در مواردى است كه يكى از دو عنصر لازم براى تحقق يد امانى مفقود است و عنصر عدوان نيز وجود ندارد.

 [↑](#footnote-ref-4)
5. #  الأنفال : 71 وَ إِنْ يُريدُوا خِيانَتَكَ فَقَدْ خانُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ وَ اللَّهُ عَليمٌ حَكيمٌ

# امّا اگر بخواهند با تو خيانت كنند، (تازگى ندارد) آنها پيش از اين (نيز) به خدا خيانت كردند؛ و خداوند (شما را) بر آنها پيروز كرد؛ خداوند دانا و حكيم است! (71)

# **ترجمه تفسير مجمع البيان    ج‏10    267**

# فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ‏: بر اثر خيانتى كه مرتكب شدند، خداوند در روز بدر، آنها را گرفتار تو كرد و مغلوب و اسير شدند. باز هم اگر خيانت كردند، شكست مى‏خورند و گرفتار مى‏شوند.

# **تفسير نمونه    ج‏7    252**

# در آينده نيز اگر راه خيانت را بپويند به پيروزى نخواهند رسيد، باز هم گرفتار شكست خواهند شد.

# **ترجمه تفسير الميزان    ج‏9    182**

# وقتى گفته مى‏شود:" امكنه منه" معنايش اين است كه او را بر فلانى مسلط كرد و قدرت داد، و اگر در بار اول فرمود:" اگر بخواهند تو را خيانت كنند" و در بار دوم فرمود:" خدا را قبلا خيانت كرده بودند" جهتش اين است كه اگر مقصود كفار از فديه دادن و آزاد شدن اين باشد كه زنده بمانند و بار ديگر دست بدست يكديگر دهند و عليه اسلام قيام كنند پس در حقيقت به رسول خدا (ص) خيانت كرده‏اند، و اما خيانتى كه قبلا به خدا كرده‏اند مقصود از آن همان كفرى است كه مى‏ورزيده‏اند و سعى و كوشش و كيد و مكرى است كه در خاموش كردن نور خدا به كار مى‏برده‏اند.

#  و خدا (تو را) بر آنها تمکین و تسلط داد خداوند، حقّ و طرفدارانش را غلبه مى‌بخشد. «فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ - خيانت، سبب اسارت و تحت سيطره قرار گرفتن است. خانُوا ... فَأَمْكَنَ‌

 [↑](#footnote-ref-5)
6. #  چنانچه تصرف‌کننده به واسطه [تعدی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AA%D8%B9%D8%AF%DB%8C) یا [تفریط](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D8%AA%D9%81%D8%B1%DB%8C%D8%B7&action=edit&redlink=1) یا مانند این‌ها باعث شود که مال از بین برود یا ناقص شود، از قاعده استیمان خارج شده و در [قاعده اتلاف](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%82%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D9%87_%D8%A7%D8%AA%D9%84%D8%A7%D9%81) یا [تسبیب](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D8%AA%D8%B3%D8%A8%DB%8C%D8%A8&action=edit&redlink=1) وارد خواهد شد

 [↑](#footnote-ref-6)